

سیاست‌های خیابانی

(جنبش تھی‌دستان در ایران)

نویسنده: آصف بیات

مترجم: اسدالله نبوی چاشمی

فهرست

یادداشت دبیر مجموعه	یازده
مقدمه	۱

فصل اول. پیشروی آرام مردم عادی

چند حادثه کوچک؟	۱۱
پیشروی آرام مردم عادی	۲۴
اهداف	۲۹
سیاسی شدن	۳۷
سیاست‌های خیابانی	۳۹
پیشروی آرام	۴۷

فصل دوم. ترسیم موقعیت تهی‌دستان جدید

تهی‌دستان جدید	۵۴
محلات تهی‌دست‌نشین و «حاشیه‌نشین»ها	۵۷

فصل سوم. گروه‌های فاقد امتیاز و انقلاب اسلامی؛ «انقلاب ما و انقلاب آنها»

انقلاب	۷۱
تهی‌دستان و انقلاب	۷۷

سازمان یافتن ۲۲۲

مرگ ۲۳۰

فصل هفتم. شورشیان خیابان: سیاست‌های دست‌فروشی

گسترش فعالیت‌ها در خیابان ۲۴۲

دست‌فروشی سیاسی ۲۴۶

دست‌فروشان معمولی ۲۴۸

چرا این همه رشد؟ ۲۵۴

نتایج و تناقض‌ها ۲۵۸

رویارویی ۲۶۲

مقاومت در برابر برنامه خلع‌ید ۲۶۸

ادغام، پخش شدن و بازگشت به خیابان ۲۷۵

فصل هشتم. مردم عادی و قدرت دولت
تعهدات و مخاطرات جنبش پیشروی آرام

درباره اهمیت موضوع ۲۷۹

شکست‌ها و هزینه‌ها ۲۸۵

کتاب‌شناسی ۲۹۳

فهرست اعلام ۳۲۵

مبارزات موثری ۸۸

تهی‌دستان، دولت و انقلاب ۹۶

بسیج در محلات پرجمعیت ۱۰۰

تعاونی‌های اسلامی مصرف ۱۰۲

شوراهای محلات ۱۰۴

فصل چهارم. شورش مسکن؛

اشغال خانه‌ها و هتل‌ها در سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۵۹

تصرف خانه‌ها و هتل‌ها ۱۱۵

زندگی در خانه‌های اشغال‌شده ۱۲۲

خلع‌ید ۱۲۶

فصل پنجم. سیاستِ کوچه پس کوچه‌ها
تصرف‌کنندگان املاک و دولت

کارهای معمول ۱۴۳

چرا این همه گسترش؟ ۱۵۱

شکل‌گیری محلات ۱۵۵

زندگی متشکل ۱۶۵

شورای محلات ۱۶۶

کار در داخل سیستم ۱۷۵

تصرف‌کنندگان و دولت ۱۸۱

فصل ششم. انقلابیون بیکار: جنبش بیکاران

هجوم ۲۰۴

مبارزات تهران ۲۰۵

اوج‌گیری فعالیت‌های جمعی ۲۱۱

تنوع اعتراضات خیابانی ۲۱۸

فصل اول

پیشروی آرام مردم عادی

در فاصله سال‌های ۱۳۵۵ تا اوایل دهه ۱۳۷۰، مجموعه‌ای از فعالیت‌های مردمی در شهرهای بزرگ ایران اتفاق افتاد، ولی تحت‌الشعاع انفجار بزرگ فوق‌العاده یعنی انقلاب ایران قرار گرفت و به همین دلیل چندان مورد توجه محققان واقع نشد. اهمیت این فعالیت‌ها تا حدی به این دلیل نادیده انگاشته شد که آنها در مقایسه با انقلاب که در تصور عمومی، برترین نوع تحول اجتماعی محسوب می‌شود، به ظاهر بی‌اهمیت محسوب می‌شدند و نیز به این دلیل که این نوع اقدامات، فعالیت معمولی و هرروزه زندگی بودند. درحقیقت اصل و ریشه این فعالیت‌ها، به دهه‌های پیشین بازمی‌گشت، ولی تنها در اواخر دهه ۱۳۶۰ و اوایل دهه ۱۳۷۰ بود که تبعات سیاسی آنها به‌طور آشکار خود را نشان دادند.

این کتاب به بازشناسی این اقدامات «معمولی» که در اکثر کشورهای درحال توسعه شایع است و به درک منطق پویایی آنها اختصاص دارد. با مورد بحث قرار دادن این حوادث، تلاش خواهیم کرد که نظریه‌ای درباره سیاست‌های غیررسمی بنا کنیم.

چند حادثه کوچک؟

از دهه ۱۳۳۰ به بعد، صدها هزار خانواده تهی‌دست، بخشی از جریان

پس از انقلاب کمک کرد. آنچه که این مردان و زنان را به یک نیروی جمعی تبدیل کرد، شیوه زندگی‌ای بود که علایق و منافع مشترکی را برای‌شان بوجود آورد و دفاع از آن را ضروری ساخت. این تصرف‌کنندگان به هم پیوستند و درخواست برق و آب کردند و وقتی جواب رد شنیدند و یا با تأخیر در پاسخ روبرو شدند، به شیوه‌های خودسرانه و غیرقانونی متوسل شدند. آنها برای خود جاده ساختند، درمانگاه و مغازه راه‌اندازی کردند، مسجد و کتابخانه بنا کردند و حتی سیستم جمع‌آوری زباله را سازمان دادند. سپس انجمن‌ها و شبکه‌های محلی‌شان را بوجود آوردند و همچنین در تعاونی‌های مصرف محلی عضو شدند. به نظر می‌رسید شکل نوین و مستقل‌تری از زندگی در این جوامع در حال شکل‌گرفتن بود.

قلمرو «کار» نیز در معرض همان نوع پیشروی آرام قرار داشت. تهی‌دستان بیکار به همراه از کار بیکارشدگان طبقه متوسط، در اصل برای یافتن کار، دریافت مستمری و خسارت، به یک عمل جمعی مؤثر دست زدند و در جنبشی درگیر شدند که در حوزه سیاست «جهان سوم» بی‌نظیر محسوب می‌شد. اگرچه جنبش بیکاران در ایران برای تعدادی از کارگران کارخانه‌ها و کارمندان مفید واقع شد، اما اکثریت بزرگی از آنان همچنان بی‌کار ماندند. با تحلیل‌رفتن حرکت‌های جمعی در سال‌های بعد، تهی‌دستان بیکار برای کسب حمایت، به افراد خانواده خود و خویشاوندان و دوستان روی آوردند. اما باز هم تعداد بیشتری روانه خیابان‌های شهرهای بزرگ شدند تا به فعالیت‌های معیشتی موقتی بپردازند و در کارهایی چون فروشنده‌گی خیابانی، دوره‌گردی، خدمات خیابانی و کارهای فنی مشغول شوند. آنها برای خود بساط، چرخ دستی و کیوسک‌هایی فراهم کردند، اماکن تجاری‌شان با سیم‌هایی که به جریان اصلی برق وصل می‌شد، روشن می‌شد. فعالیت جمعی آنها، پیاده‌روها را

طولانی و پیوسته مهاجرت از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ را تشکیل می‌دادند. برخی از آنها به دنبال بهبود وضع زندگی‌شان بودند و برخی دیگر فقط می‌خواستند زنده ماندن‌شان را تضمین کنند. بسیاری از آنها کم‌کم، چه به‌طور فردی و چه همراه خویشاوندان‌شان در زمین‌های بلااستفاده شهری، و یا در قطعه‌های ارزان‌قیمتی که در حواشی مراکز شهری خریداری می‌کردند، ساکن می‌شدند. این خانواده‌های تهی‌دست، برای اجتناب از برخورد با صاحبان زمین‌های شخصی، اجاره‌هایی که توان پرداخت آن را نداشتند و در نهایت فرار از ازدحام جمعیت، سرپناه‌های‌شان را به‌دست خودشان و یا به کمک خویشاوندان‌شان در نقاطی بنا می‌کردند که به‌طور غیرقانونی ایجاد شده بود و بعد برای تحکیم موقعیت زیستگاه غیرقانونی‌شان به رشوه‌دهی به دیوان‌سالاران روی می‌آوردند و سعی می‌کردند از خدمات شهری بهره‌مند گردند. در آستانه انقلاب اسلامی، شمار این جوامع در تهران به پنجاه رسیده بود. اینها بدون آنکه خود بخواهند به یک ضد نیرو^۱ تبدیل شدند. بروز انقلاب اسلامی به گروه‌های فاقد امتیاز فرصت داد تا پیشرفت بیشتری بکنند. در همان حالی که انقلابیون در خیابان‌های شهرهای بزرگ راهپیمایی می‌کردند، مردم تهی‌دست با به‌دست‌آوردن زمین شهری بیشتر، درصدد گسترش نفوذ خود بر محله‌های مستقل‌شان بودند و بلافاصله پس از انقلاب، با استفاده از فرصت حاصل از نبود کنترل پلیسی، به تسخیر صدها خانه خالی و آپارتمان‌های نیمه‌کاره پرداختند و آنها را به‌عنوان مایملک خود سروسامان دادند.

چون امکان اشغال‌کردن خانه‌ها محدود بود، علی‌رغم ممانعت جدی‌تر پلیس، تصرف زمین و ساخت و سازهای غیرقانونی شتاب گرفت. این امر به رشد چشم‌گیر شهرهای کوچک و بزرگ در سال‌های